



پاینده ایران

پان ایرانیسم

یعنی

رسالت تاریخی ملت ایران

متن سخنان اندیشمند گرانمایه

سرور دکتر محمد رضا عاملی در

میتینگ مورخه دهم مهرماه ۱۳۴۸

شهرستان رضائیه

تهیه شده

نوزدهم مهر ماه یکهزار و سیصد و پنجاه

حزب پان ایرانیست تشکیلات رضائیه

پاینده ایران

هم میهنان عزیز ، حزب پان ایرانیست فعالیت بنیان گزاران و کوشندگان
از سال ۱۳۲۰ پس از ماجرای شوم شهریور آغاز شد ، از سال ۱۳۲۶
کوششهای پیگیر ما بدانجا رسید که توانستیم پایه های استوار نهضت پان
ایرانیسم را در قالبهای سازمانی مکتب پان ایرانیسم و حزب پان ایرانیست
استوار بداریم . سالهای بعد از سوی سازمانهای حزبی نشریاتی انتشار
یافت ، روزنامه ندای پان ایرانیسم ، نشریه های پندار و ایرانزمین و
ناسیونالیسم اروپا و سرانجام روزنامه خاک و خون قسمتی از نشریات حزب
پان ایرانیست است . با این نشریات کم کم اصطلاحات ویژه یی به گوشها
میخورد ، اصطلاحاتی که ویژه ما بود ، اصطلاحاتی که کمتر بوسیله گروههای
دیگر ، حزبهای دیگر بکار برده میشد . در نشریات ما بود که سخن از
رسالت تاریخی ملت ایران به میان آمد ، سخن از این به میان آمد که یک
حزب باید در بستر یک رسالت تاریخی باشد ، یک نهضت اجتماعی باید در
بستر یک رسالت تاریخی باشد .

اینگونه اصطلاحات کم کم برای بسیاری از زنان و مردان ایران مفاهیمی ژرف
و عمیق پیدا کرد و آنها را برآیین نهادی و ندای روح و وجدان خود منطبق

یافتند - ولی این اصطلاحات هنوز برای بسیاری بیگانه است و کوششهای ما بخاطر آنست که با توضیح این اصطلاحات و با توضیح این افکار و عقاید کم کم عمق نهضت ورجاوند و خدائی پان ایرانیسم را بر همگان بشناسانیم . در اینجا من اجازه میخواهم درباره اصطلاح رسالت تاریخی اندکی بحث کنم . این اصطلاح را ما به چه مفهومی کار میبریم و چرا میگوییم که یک نهضت اجتماعی باید در بستر رسالت تاریخی باشد و یک حزب واقعی باید در بستر رستاخیز اجتماعی باشد ؟ در این گفته ها راز ژرف و سترک و دقیقی نهفته است که توجه به آن میتواند شما را متوجه این حقیقت کند که حزب پان ایرانیست به چه مبانی و به چه اصولی اعتقاد دارد .

هر مجموعه یی ، هر سیستمی ، حامل پیامهایی است و حامل رسالتی است شما مفهوم این کلام را میتوانید در همه موجودات طبیعت ببینید . من در اینجا مثالی را بیان میکنم : وقتی بهار آغاز میشود یا وقتی پاییز فرا میرسد مجموعه طبیعت در بهار حامل یک رسالتی است در پاییز هست که میلیونها برگ و میلیونها درخت تابع این نظم هستند و در درون این نظم زندگی وزیست می کنند هنگام پاییز که فرا میرسد در سراسر خطه یی که تابع یک نظم طبیعی است یکباره شما می بینید که برگهای درختان گوناگون مراحل گوناگون تغییر رنگ را طی میکنند ، آن برگی که فرض کنید در شهرستان شاهپور است گویی از حال و روح و وظیفه برگی که در شهرستان میاند و آب است خبر دارد ، همه با هم در فاصله چند روز از سبزی به زردی می گرایند دگرگونیهایی در درون آنها پیدا میشود یکباره میلیونها برگ سبز به زردی یا قرمز تبدیل میشوند از رنگی به رنگی تغییر پیدا میکنند و سرانجام از درخت فرو میریزند . پاییز حامل این پیام طبیعی است ، نظمی را تحمیل میکند

نظمی که با خلقت بوجود آمده با کردگاری بوجود هر برگی نهاده شده این برگ در اینجا ، برگ دیگری در صد فرسنگ آنطرفتر از این نظم با خبر میشوند گویی این پیام به آنها الهام میشود این وظیفه را هر یک به سهم خودشان انجام میدهند ما یک ناظر خارجی هستیم در برابر اینهمه برگ می ایستیم با یک احساس شاعرانه یی بیان میکنیم که بلی خزان آمد ، برگها فرو ریخت . اما از نظر طبیعت وقتی شما نگاه بکنید این یک پیام تاریخی است که در هر یک از این ذرات وظیفه یی نهاده شده ، هر یک از ذرات عملی را انجام میدهند مجموعه این اعمال آن منظره شاعرانه خزان وریختن برگها را برای شما مجسم میکند .

در میان موجودات تنها انسان است که با عقل و بینش خودش گمان میکند که آنچه در دل او میگردد فقط مخصوص بخود اوست در صورتیکه افراد انسان هم مثل برگهای درختان تحت ضابطه ونظمی هستند این نظم از وجودهاییکه این افراد را در بر گرفته به آنها القاء والهام میشود ، در هر مرحله یی از زمان یک پیام تاریخی هست ، یک رسالت تاریخی در زمان هست ، این رسالت تاریخی که در زمان هست پیکره همه موجودات متعلق به یک ملت را در برمیگیرد ، پیکره افراد وجسم وجان افراد را هم در برمیگیرد ، چنین حقیقتی باید در یک پیام تاریخی برای یک ملت باشد وهمیشه هست ، برای هر ملت در هر زمان پیامی هست همچنانکه در طبیعت در هر هنگام برای درختها پیامی هست ، پیام بهار بیداری است ، پیام خزان فروریختن برگهاست ، پیام زمستان خواب درختهاست ، پیام تابستان بارور شدن ومیوه دار شدن آنهاست ، که برای یک ملت هم که یک مجموعه است برای این مجموعه هم در هر لحظه یی از تاریخ پیام هست ، این پیام

قلب و روح همه افراد را تحت تأثیر قرار میدهد الا آنکه ملت‌های سالم ، ملت‌های رشید ، ملت‌های آزاد پیام وجود خودشان را احساس میکنند و برحسب آن عمل میکنند ، اما ملت‌های بیمار، ملت‌های استعمار زده ، ملت‌های دچار فترت پیام وجود خودشان را ، پیام تاریخی ملتشان را احساس نمیکنند و برخلاف آن قدم برمیدارند یا عمل‌هایی خلاف پیام تاریخی بوسیله دشمنان و به دست دشمنان برآنها تحمیل میشود . اما این حالتها حالت‌هایی است موقت ، همچنانکه بیماری حالتی است موقت ، مزاج هر ملت و طبیعت هر ملت و نهادهای تاریخی و سالم هر ملت ، ملت را هدایت میکند که بتواند به پیام و به رسالت تاریخی‌اش جواب بدهد و به همین دلیل است که شما میبینید پیام تاریخی و رسالت‌های تاریخی یک ملت همینکه از گوشه‌ی آغاز میشود ، از قدرت کوچکی آغاز میشود ناگهان همه گیر شده و همه به آن اعتقاد پیدا میکنند .

زمانی در این کشور قدرتهای مهیب استعماری چکمه میکوبیدند ، آنها جریان ناسالمی را برخلاف پیام و رسالت ملت ایران در جهت تجزیه ، در جهت نفاق ، به زور سرنیزه ، به افراد ملت ما تحمیل کردند ، نیروی ظاهری آنها بسیار بود اما پیروز نشدند ، در مقابل آنها چند کودک دبستانی ، چند کودک دبیرستانی متحد شدند ولی در بستر پیام تاریخی و رسالت تاریخی ملت خودشان ندای وحدت و یگانگی را سردادند ، به ندای آنها در هر شهر، در هر روستا پاسخ داده شد ، به ندای آنها در هر جا که خون ایرانی میجوشید پاسخ داده شد ، هر جا که قلبی به عشق ایرانی می تپد پاسخ داده شد ، این ندا از مرز کلاسه‌های آنها گذشت، از مرز مدرسه‌های آنها گذشت ، از مرز تهران که مهد پان ایرانیسم بود گذشت ، به

سراسر ایرانزمین و امروز به سراسر جهان نظم شاهنشاهی ایران طنین افکند .

شما گمان میکنید آن قدرت چند کودک بود که توانست چنین نهضتی را ایجاد کند ؟ نه . همانطور که هیچیک از برگهایی که در خزان میریزند این عمل را ابداع نمیکنند و به دیگران یاد نمیدهند . خزان شدن یک برگ یا بیدار شدن یک برگ رازی است در درونشان .

آن زمان که زمان بروز این پیام تاریخی باشد ناگهان تمام درختان برمی خیزند و آن زمان که زمان بیداری یک ملت باشد ، رسالت تاریخی آن ملت در وحدت و یگانگی و عظمت باشد تمام اجزای وجود آن ملت در مسیر وحدت و عظمت سیر میکند ، تنها هر نهضت اجتماعی باید بتواند این مسیر را بشناسد و حرکت خودش را در این مسیر قرار بدهد - ما ادعا میکنیم که قویترین حزب ملت ایران هستیم ، نه به دلیل تعداد افراد ، تعداد مؤسسات ، یا مثلاً به آن اعتباری که امروز در دنیا جاری است به اعتبار تعداد نمایندگان ، ولی ادعا میکنیم قویترین حزب ملت ایران هستیم به اعتبار آن مسیر مقدسی که در آن قرار گرفته ایم . نیروهای نهفته در زمان با ماست ، نیروهای نهفته در تاریخ با ماست ، آن چیزی که حرکت تاریخ را بوجود آورده: قدرتهای عظیم، نظمهای عظیم ، صنعتهای عظیم ، ارتشهای عظیم را بوجود آورده آن در نظم ماست . ما در این بستر حرکت میکنیم ، در بستر این رسالت تاریخی ، در بستر این پیام تاریخی . می پرسید بلی کدام پیام ؟ کدام پیام ؟ این پیام تاریخی که ما این چنین از آن یاد میکنیم یک زمان مادها را برانگیخت وحدت تیره های کرد و آذری و ارانی را پدید آورد بدنبال خودش پادشاهی شکوهمند ماد را ایجاد کرد . همان پیامی است که تیره

های متحد شده مادها را در پارسها پیوند داد و نظم شکوهمند شاهنشاهی هخامنشیان را ایجاد کرد . همان پیامی است که تیره های غرب و جنوب ایران را با تیره های شرق پیوند داد و آیین پادشاهی پرمقاومت و لجوج و سرسخت اشکانی را پدید آورد و سرانجام این همان پیام و نظمی است که بعد از طوفانهای تاریخ ، آن زمان که بهاران دورانهای تاریخی ما پیام طبیعی خودش را الهام میکرد در صورت و به چهره نظم شکوهمند ساسانیان در آورد ، این همان پیامی است که ملت ایارن را بعد از دوران ساسانیان آن زمانیکه بسیاری از ملتها ملیت خودشان را ، زبان خودشان را ، فرهنگ خودشان را از دست دادند آنچنان قوی و نیرومند بگرد هم آورد که توانستند سلسله های نیرومندی مثل صفویان را بوجود بیاورند . این نظم در وجود ما هست .

آن کسانی که از آن مسیر تاریخی گذشتند مثل همان درختانی هستند که در زمستان به خواب میروند تا در بهار دیگری بیدار شوند . در این مسیر تاریخی است که ما قرار گرفته ایم . ایکاش تاریخ را به ما درست درس میدادند و به ما میگفتند که تاریخ شرح وقایع گذشته نیست بلکه توجیه وقایع امروز است . میدانید چرا آن بلوچی که در قسمت شرقی ایران در جنوب شرقی ایران زندگی میکند خودش را با آن کردی که در برون از مرزها در دورترین مرز غربی ایران زندگی میکند از یک آیین و یک شاهنشاهی میداند ؟ بخاطر اینکه آن خونی که در گذشته در وجود پدران او بود در رکاب خشایار شاه به یونان رفت و در رکاب نادر به قلب هندوستان کشیده شد هنوز در خونس هست . توجیه این اتحاد و یگانگی ما ، کاری است که تاریخ باید انجام دهد و تاریخ به خوبی این درسهای پر ارج را به ما عرضه میکند .

بنا بر این چنین پیام تاریخی ، در این دورانی که سراسر جهان از ظلم استعمارگران به عذاب آمده ، ستمهای استعمارگران به حد خویش رسیده و سراسر جهان آهنگ بیداری ناسیونالیسم را به گوش می شنود ، در این دوران خروش ناسیونالیسم ، ناسیونالیسم ملت ما هم در حال خروشدنست و پیام خودش را اعلام میکند ، رسالت تاریخی خودش را اعلام میکند ، این رسالت در راه وحدت ، در راه یگانگی همه تیره های نژاد ایرانی است ، در راه یگانگی ، همدلی و هماهنگی همه شاخه های وابسته به نظم کهن شاهنشاهی ایرانزمین است ، این پیام امروز در جهان طنین دارد ، در طبیعت طنین دارد ، در تاریخ طنین دارد ، در وجود هر ایرانی طنین دارد . به حکم اینکه این پیام را شما را که با ما همدل و همزبان هستید و در مسیر این پیام تاریخی و این رسالت تاریخی هستید بیاری می طلبد ، بلی - هنگام پر شکوهی است ، پیامی عظیم و عظمت بخش ، نوید بخش ، امید بخش در تاریخ سر داده شده . ما سربازان و پیشاهنگانی هستیم مانند نخستین برگهای بهاری که شکوفان میشوند ولی این شکفتگی در سراسر وجود ملت ایران خواهد بود و ما در انتظار آن هستیم ، انتظاری که بی هیچ شک و تردید تحقق پیدا خواهد کرد .

پاینده ایران